

الزامات بهبود محیط کسب و کار در فرآیند جذب سرمایه گذاری

خارجی در ایران

حسین باستان‌زاد^۱، پدram داودی^۲

چکیده:

سرمایه گذاری خارجی در قالب مکانیزم تامین مالی و یا انتقالات سرمایه ای بین المللی از یکطرف ظرفیت های تامین مالی اقتصاد را افزایش داده و از طرف دیگر بعنوان یک متغیر عملکردی اقتصاد کلان، ارزیابی و اعتماد سرمایه گذاران بین المللی را به صحت جهت گیری و دورنمای نتایج سیاستگذاری یک اقتصاد تبیین می نماید. جذب منابع پس انداز خارجی در قالب ابزارهای بدهی و یا سرمایه گذاری از طریق مبادلات مالی-تجاری بین المللی انجام شده که بشدت متأثر از بهبود محیط کسب و کار، ارتقاء فضای کار آفرینی، ثبات اجتماعی-سیاسی و نیز مزیت های پایدار اقتصادی یک کشور می باشد. اقتصاد ایران طی ۱۴ سال گذشته با تضعیف مستمر محیط کسب و کار و فضای کارآفرینی مواجه بوده که در کنار بحران های مختلف پولی، مالی، موازنه پرداختها و بخش حقیقی زمینه کاهش قدرت رقابت ملی را در جذب منابع سرمایه ای بین المللی فراهم ساخت. همچنین منابع پس انداز داخلی نیز در یک فرآیند ضد انگیزشی به صورت سرمایه گذاری غیر مولد در بازارهای مالی کم ریسک با درجه نقدپذیری بالا انباشته شده و یا از طریق حساب سرمایه موازنه پرداختها از کشور خارج شده اند. در شرایطی که اقتصاد ایران بشدت نیازمند منابع مالی و سرمایه گذاری پایدار جهت تحقق اهداف کلان رشد پایدار غیرتورمی و ثبات مالی بوده عملاً اعمال اصلاحات سیاستی، نهادی، ابزاری و مقرراتی در حوزه اقتصاد کلان ضرور بنظر می رسد، که در کنار بکارگیری یک سیستم هوشمند پایش سرمایه گذاران خارجی زمینه کاهش چالش

۱ - پژوهشگر گروه پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا. ایران.

۲ - موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

های احتمالی را فراهم ساخته، که در این تحقیق مراحل و مصادیق آن به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، بهبود فضای کسب و کار، موانع سرمایه گذاری

مقدمه:

کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور عملاً با محدودیتهای مختلف تکنولوژیکی و مالی در عرصه بین‌المللی مواجه بوده که زمینه گسترش فضای رقابت بین‌المللی را در جذب سرمایه‌های خارجی و نیز دانش فنی فراهم ساخته است. کشورهای مختلف با اتکاء به اصلاحات ساختاری و سیاستی و نیز بهبود وضعیت مولفه‌های فضای کسب و کار از یک‌طرف وضعیت رتبه بین‌المللی فضای کسب و کار خود را ارتقاء داده و از طرف دیگر زمینه حضور و جذب منابع سرمایه‌ای خارجی را در اقتصاد ملی فراهم می‌سازند. اقتصاد ایران طی دهه گذشته وضعیت متفاوتی داشته بطوریکه رتبه جهانی کسب و کار ایران از ۱۰۸ در سال ۲۰۰۵ به ۱۵۲ در سال ۲۰۱۳ نزول کرده و در گزارش شاخص بهبود فضای کسب و کار سال ۲۰۱۵ به ۱۳۰ رسیده است^۱. در دوره مشابه رتبه جهانی کشورهای ترکیه، امارات و مالزی به ترتیب از ۹۳، ۶۹ و ۲۱ به ۶۹، ۲۳ و ۶ ارتقاء یافته است. که خود نشان‌دهنده ارتقاء زمینه جذب سرمایه‌های خارجی را برای کشورهای مذکور است. در طی دوره مشابه، کشورهای رواندا، گرجستان، بلاروس و اکراین بترتیب با ۳۳، ۳۲، ۲۶ و ۲۳ پله بهبود بهترین عملکرد را جهت کاهش شکاف با اقتصادهای پیشرو داشتند.

بر اساس محاسبات صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۳ معادل ۹۴۶ میلیارد دلار بوده است (روش برابری قدرت خرید). علیرغم آنکه رتبه جهانی اقتصاد ایران طی ۱۴ سال اخیر بطور متوسط هجدهم دنیا بوده، اما عملکرد اقتصاد کشور در جذب سرمایه خارجی نسبت به کشورهای امارات و مالزی که رتبه جهانی ۴۸ و ۲۹ داشته، بسیار ضعیف‌تر بوده است. طی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۰۰ کشورهای ترکیه، امارات و مالزی بترتیب ۱۱۲، ۳۹ و ۱۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده که در مقایسه با اندازه اقتصاد آنها عملاً با عملکرد ۲,۵ میلیارد دلاری اقتصاد ایران^۲ قابل تامل می‌باشد. البته اگر رقم خروج سرمایه دهه اخیر را در محاسبات منظور نموده و رقم

1 - Doing Business 2006-2014

۲ - ارقام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ناظر بر عملکرد بوده و ارقام تامین مالی خارجی از طریق روشهای متکی بر ابزارهای بدهی از قبیل فاینانس، بیع متقابل، فاینانس خودگردان، صور مختلف اعتبارات فروش و ساخت - بهره بردای و اجاره منظور نشده است.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی به طور خالص منعکس گردد، قطعاً رقم مذکور برای دوره ۱۴ ساله منفی خواهد بود.

جدول ۱- تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی انباشته^۱ (میلیارد دلار)

| مالزی | امارات | ترکیه | ایران | |
|-------|--------|-------|-------|--|
| ۵۲۶ | ۲۷۲ | ۱۱۷۴ | ۹۴۶ | تولید ناخالص داخلی-۲۰۱۳ |
| ۲۹ | ۴۸ | ۱۶ | ۱۸ | رتبه جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۳ |
| ۱۲,۴ | ۳۹,۵ | ۱۱۲,۲ | ۲,۵ | سرمایه گذاری مستقیم خارجی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ |

در ادامه مقاله، موانع ساختاری موثر بر فضای کسب و کار در فرآیند جذب سرمایه گذاری خارجی مورد بررسی قرار گرفته و سپس علل تضعیف رتبه جهانی فضای کسب و کار و کارآفرینی در اقتصاد ایران تحلیل شده است. در بخش پایانی تحقیق نیز راهکارهای بهبود پایدار فضای کسب و کار جهت تسهیل مبادلات مالی بین المللی بطور عام و سرمایه گذاری خارجی بطور خاص پیشنهاد شده است.

مرور ادبیات تجربی:

دو دسته از مطالعات را می توان در این حوزه برشمرد. دسته اول: عوامل تاثیر گذار بر جذب سرمایه گذاری خارجی را بررسی کرده و دسته دوم: موانع جذب سرمایه گذاری خارجی را احصا نموده اند. در ادامه پاره از این مطالعات که توسط پژوهشگران داخلی و خارجی انجام شده، فهرست شده است.

چانلای^۲ (۱۹۹۷) عوامل تعیین کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در کشورهای درحال توسعه بررسی و برای توضیح جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی از مدل جاذبه تعدیل شده، استفاده نموده است. نتایج این تحقیق نشان داد: اندازه بازار، رشد تولید ناخالص داخلی، دستمزد

1 - International financial statistics, IMF, 2013.

2 Chunlai

کارآی بخش صنعت، ضریب فاصله از مرکز (که با فاصله نسبی از مرکز اقتصاد جهانی برآورد می‌شود)، ذخیره سرمایه گذاری مستقیم خارجی و باز بودن اقتصاد بر میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت معنی‌داری مؤثر هستند.

برونستزین و همکاران^۱ (۱۹۹۸) با هدف تعیین نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرایند رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه نگاشته شده است. در این بستر نشان داده‌اند، حضور سرمایه انسانی در ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی برای انتقال سرمایه به کشورهای در حال توسعه نقش بی‌بدیلی داشته است.

عبدالرحمان^۲ (۲۰۰۲) به شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی در عربستان سعودی طی دوره ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۰ پرداخته است. این مطالعه نشان داد ارتباط دوسویه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با متغیرهای تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، صادرات، واردات، نرخ دستمزد، نرخ بازگشت سرمایه و سرمایه‌گذاری داخلی وجود دارد.

بانگا^۳ (۲۰۰۳) مطالعه‌ای مشابه چنانلای (۱۹۹۷) انجام و با استفاده از اطلاعات ۱۰ کشور در حال توسعه نشان داد: اندازه بازار، هزینه نیروی کار، نسبت ثبت نام‌شدگان دوره متوسطه، بدهی خارجی و مصرف برق عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشند. همچنین نتایج مطالعه نشان داده موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری با کشورهای توسعه‌یافته دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار و موافقتنامه‌های منطقه‌ای نیز اثرات متفاوتی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

عماد موسی و کارداک^۴ (۲۰۰۶) با انجام یک مطالعه بین‌کشوری و بررسی اثر ۸ متغیر در ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نشان داده‌اند که سه متغیر نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، خطوط تلفن به ازاء هر هزار نفر و ریسک کشور مورد نظر دارای ارتباط معنی‌دار با جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها می‌باشد.

1 Borensztein et al.

2 Abdel-Rahman

3 Banga.

4 Imad Moosa and Cardak

داودی و دیگران (۱۳۸۳) در چارچوب یک الگوی تلفیقی به مطالعه عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۴۷ کشور جهان طی دوره ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۲ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که توجه به زیرساخت‌های قانونی، تشویق و تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، توجه به کارآیی، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار و ثبات سیاسی کشور در جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موثر است.

حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۳) درباره میزان امنیت در یک اقتصاد و ترکیب عوامل ناامن‌کننده فضای سرمایه‌گذاری مطالعه نموده است و در این راستا از دو رویکرد بهره‌جسته است. نخست، رویکرد عینی به مقوله امنیت است، که در آن استحکام یا ضعف نهادهای امنیت‌ساز در کشور مورد توجه قرار می‌گیرند و دوم که متضمن رویکرد ذهنی به مقوله امنیت در یک کشور و عوامل امنیت‌زدا و میزان تأثیر هر یک از آن عوامل بر ناامنی محیط کسب و کار است، از متقاضیان واقعی امنیت یعنی سرمایه‌گذاران بالفعل یا بالقوه استعلام می‌شود. حال منطق رویکرد این مقاله این است که برای اقدام به سرمایه‌گذاری در یک کشور یا صنعت خاص، احساس امنیت از جانب افرادی که متقاضی سرمایه‌گذاری هستند، موضوعیت دارد و در این مقاله عوامل ایجادکننده ناامنی در محیط سرمایه‌گذاری در ایران براساس تصویر ارائه شده توسط سازمانهای بین‌المللی برآوردکننده ریسک (که به طور عمد به شیوه دوم متکی هستند) بررسی شده است.

مظاهری و دهبیدی پور (۱۳۸۳) با اشاره به اهمیت سرمایه در رشد و توسعه اقتصادی کشور، عوامل موثر در جذب سرمایه‌گذار خارجی و موانع آن را فهرست نمودند. در این مطالعه تنوع بخشی به ابزارهای مالی و استفاده از بازار سرمایه، رفع انحصار و توجه بیشتر به تسهیل امر خصوصی سازی، تقویت و توسعه بازارهای مالی به عنوان راهکار در حذف این موانع معرفی کرده‌اند.

طاهری (۱۳۸۴) عدم ثبات سیاسی و اقتصادی، به عنوان یکی از موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در کانون توجه قرار داده است. نگارنده به موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی قوانین و مقررات دست و پاگیر کار، وضعیت نابسامان ارز، قانون ثبت شرکتها، محدودیت قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و مشکلات اصل ۸۱ قانون اساسی پرداخته است.

شاه آبادی و محمودی (۱۳۸۵)، به مطالعه تعیین کننده‌های سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران پرداخته‌اند. ایشان سه دسته از متغیرها: الف. منابع طبیعی موجود، سرمایه انسانی و زیرساختها با اثر مثبت؛ ب. متغیر حقوق سیاسی و متغیر موهومی انقلاب اسلامی با اثر منفی؛ ج. عامل باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و عامل نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر منفی؛ را بر سرمایه گذاری خارجی موثر دانسته‌اند.

مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی (۱۳۸۶) پس از بررسی اهمیت سرمایه گذاری خارجی و نقش آن در توسعه بازار سرمایه ایران، به نقش سه عامل سیاست‌های کشور میزبان، جمعیت فعال کشورها در جهت توسعه و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و ویژگی‌های اقتصادی کشور میزبان اشاره شده است. ایشان استفاده از رسیده‌های سپرده، صندوق‌های سرمایه گذاری، داد و ستد مستقیم اشخاص خارجی را از راهکارهای جذب سرمایه گذار خارجی بر شمرده‌اند.

رضایی (۱۳۸۶) اثر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بررسی کرده است. او برای این منظور از نوع توصیفی مقایسه‌ای استفاده و در آن عملکرد جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شاخص حکمرانی خوب در ایران در مقایسه با چند کشور منتخب شامل چین، برزیل و مالزی را واکاوی نموده است. این مطالعه در توضیح ضعف عملکرد جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران، نشان می‌دهد که عدم موفقیت مذکور ریشه در میزان مخاطره بالای سیاسی در ایران دارد. به این ترتیب هزینه معاملاتی برخواسته از نااطمینانی در ایران، موجب تضعیف مکانی ایران گشته است.

سعیدی و میعادی (۱۳۹۰) با بررسی موانع عمده سرمایه گذاری خارجی در ایران، به مطالعه میدانی این پدیده همت گماشته‌اند. در این راستا با توزیع پرسشنامه در بین سرمایه گذاران نتیجه‌گیری کرده‌اند که ورود سرمایه گذار خارجی با شاخص‌های شروع کسب و کار، اخذ مجوزهای لازم، اشتغال، ثبت احوال، حمایت از سرمایه‌داران جزء، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، لازم‌الاجرا شدن قراردادهای و پایان کسب و کار رابطه معنادار وجود دارد.

موانع جذب سرمایه گذاری خارجی:

- تصویر نامناسب اقتصاد ایران در شاخص‌های بین‌المللی

- کاهش رتبه بین‌المللی بهبود فضای کسب و کار ایران

ترکیب مولفه‌های فضای کسب و کار از یکطرف هزینه انجام فعالیتهای اقتصادی یک اقتصاد را متأثر ساخته و از طرف دیگر رتبه بین‌المللی یک کشور را در رقابت با سایر کشورها جهت جذب منابع سرمایه‌ای خارجی تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاران بین‌المللی با توجه به رتبه مذکور و ریسکهای تجاری و غیرتجاری نسبت به سرمایه‌گذاری در اقتصادهای مختلف تصمیم‌گیری می‌نمایند. در همین راستا مولفه‌های ناظر بر فضای کسب و کار ایران طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۶ مطابق جدول ۲ مورد بررسی قرار گرفته است^۱. مطابق جدول ذیل عملاً نه مولفه از ده مولفه موثر بر فضای کسب و کار طی دوره مطالعاتی و در یک شرایط ضدرقابتی مستمراً کاهش داشته که مهمترین آنها به ترتیب مولفه‌های شرایط تجارت خارجی، مراحل و الزامات آغاز یک فعالیت اقتصادی و نظام مالیاتی بیشترین کاهش و مهمترین موانع جذب سرمایه خارجی معرفی شده‌اند. البته شرایط حمایت از سرمایه‌گذار نیز به لحاظ قانونی و قضائی بهبود نسبی ۱۱ پله‌ای را انعکاس می‌دهد.

جدول ۲- رتبه بین‌المللی مولفه‌های فضای کسب و کار ایران طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۶

| تغییرات | ۲۰۱۳ | ۲۰۰۶ | |
|---------|------|------|------------------------|
| ۴۳ | ۱۰۷ | ۶۴ | شروع یک فعالیت اقتصادی |
| ۲۵ | ۱۶۸ | ۱۴۳ | ثبت دارائی |
| ۲۱ | ۸۶ | ۶۵ | اخذ اعتبار |
| -۱۱ | ۱۴۷ | ۱۵۶ | حمایت از سرمایه‌گذار |
| ۴۳ | ۱۳۹ | ۹۶ | مالیات |
| ۶۶ | ۱۵۳ | ۸۷ | تجارت |
| ۱۸ | ۵۱ | ۳۳ | اجرای قرارداد |

۱ - طی دوره مطالعاتی مولفه‌های شرایط اشتغال، قانون کار و نیز الزامات اخذ مجوز فعالیتهای اقتصادی از لیست مولفه‌های موثر بر فعالیتهای اقتصادی حذف شده که در صورت استمرار بکارگیری آنها عملاً رتبه ایران بیشتر کاهش می‌یافت.

| | | | |
|----|-----|-----|-----------------|
| ۲۰ | ۱۲۹ | ۱۰۹ | حل ورشکستگی |
| ۱۵ | ۱۸۲ | ۱۶۷ | اخذ مجوز عمرانی |
| ۲۳ | ۱۶۹ | ۱۴۶ | اخذ مجوز برق |
| ۳۳ | ۱۵۲ | ۱۱۹ | کل |

کاهش شاخص های بین المللی کارآفرینی^۱

کارآفرینان موتور حرکت، نوآوری و خلق فرصت های جدید سرمایه گذاری و تولیدی در عرصه اقتصاد کلان می باشند. ایجاد فضای مناسب از طریق سیاستگذاری سازگار و بهنگام زمینه بهبود فضایی کسب و کار و نیز ارتقاء مولفه های کارآفرینی را فراهم می سازد. طی سالهای ۹۲-۱۳۹۰ رتبه جهانی ایران علی رغم بهبود مولفه های درک قابلیت کارآفرینی، منزلت اجتماعی کارآفرینان و قصد کارآفرینی عملا در حوزه سایر مولفه های کلیدی کارآفرینی همچون درک فرصت های نو، ترس از شکست فعالیت های اقتصادی و نیز توجه رسانه ای به کارآفرینان تنزل رتبه داشته است. به عبارت دیگر، تنزل رتبه کارآفرینی نوعی ضدانگیزش و ضعف فضای رقابتی برای سرمایه گذاران خارجی تلقی می گردد.

محدودیت های نظام پولی، مالی و ارزی

- چالش های شبکه بانکی

بانکها موتور فعالیتهای اقتصادی و مالی در اقتصاد بین الملل می باشند. در اقتصاد ایران به علت عدم امکان حضور بانکهای بین المللی از یکطرف فرآیند تامین مالی (تامین مالی سرمایه در گردش و نیز قسمتی از طرح های سرمایه ای مورد علاقه سرمایه گذاران خارجی که از منابع داخلی می باید تامین شده) طرح های سرمایه ای خارجی به شدت با محدودیت مواجه بوده و از طرف دیگر خدمات بانکی نیز به صورت زمان بر و با هزینه های غیررقابتی عرضه می شوند. دارائی های شبکه بانکی کشور در پایان تیر ماه سال ۱۳۹۳ حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بوده که خالص گردش سالانه آنها با احتساب رشد بلندمدت نقدینگی، برای کل اقتصاد کشور کمتر از ۶۰ میلیارد دلار می باشد. به عبارت دیگر به ازاء تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار، قدرت وام دهی مذکور بسیار ناچیز و

1 - *Global Entrepreneurship Monitor, 2010-14.*

دلالت بر محدودیت ظرفیت اعتباری شبکه بانکی در تامین مالی سرمایه در گردش طرح‌های بزرگ (حتی به صورت سندیکائی) بوده که در کنار عدم توسعه ابزارهای متعارف تامین مالی بازار سرمایه عملاً جذب سرمایه خارجی را با چالش مواجه ساخته است. همچنین شرایط ارائه خدمات متعارف بانکی از قبیل پیش پرداخت گشایش اعتبارات اسنادی (معادل ۱۰۰ درصد با احتساب وثایق)، صدور ضمانت نامه های مختلف (بیش از ۳۰ درصد با احتساب وثایق)، نرخها و هزینه‌های اعطای تسهیلات (بیش از ۲۸ درصد)، عدم صدور تعهدات پرداخت زمان دار توسط بانکها، عدم احتساب رتبه اعتباری اشخاص و شرکتهای در تعیین نرخ سود تسهیلات، ... سبب بروز فضای ضد انگیزشی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شده است. در تحلیل نهائی، حضور بانکهای بین‌المللی جهت بهبود فضای رقابتی در بازار پول، کاهش هزینه خدمات بانکی و تسهیل تامین مالی سرمایه در گردش طرح‌های بزرگ سرمایه‌ای (اعتبارات ریالی و ارزی یوزانس و ریفاینانس) در کنار توسعه ابزارهای مختلف تامین مالی از بازار سرمایه ضروری می‌نماید.

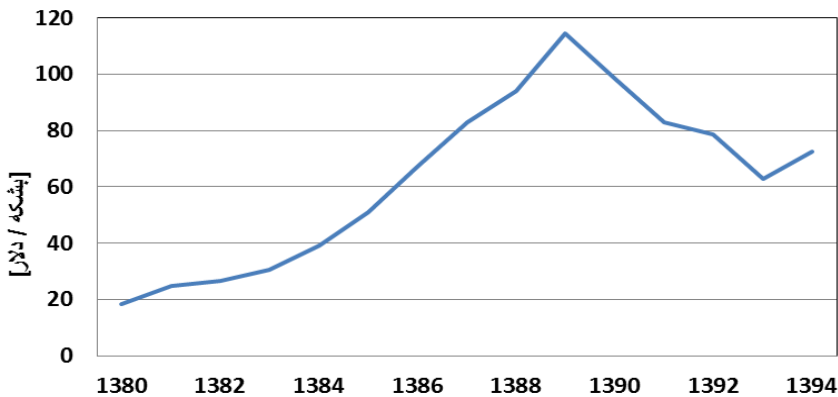
– محدودیتهای ناظر بر حساب سرمایه ایران

آزادسازی تدریجی حساب سرمایه و تسهیل دسترسی سرمایه‌گذاران بین‌المللی به بازارهای مالی داخلی مهمترین روش جذب منابع مالی بین‌المللی بوده که در چارچوب قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و آئین‌نامه‌های اجرائی آن میسر می‌باشد. سرمایه‌گذاران خارجی در قالب صور مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری در سبد سهام می‌توانند، در بازارهای متشکل و غیرمتشکل سرمایه‌گذاری فعالیت نموده و ریسک‌های غیرتجاری آنها نیز تحت پوشش قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرد. علیرغم امکان حضور قانونمند سرمایه‌گذاران خارجی در بازار سرمایه عملاً شرایط حضور آنها در بازار پول و اوراق قرضه (به‌عنوان کم ریسک‌ترین بازار) تبیین نشده است. چالش مذکور از یک‌طرف دسترسی سرمایه‌گذاران خارجی را به بازار پول محدود ساخته و از طرف دیگر زمینه تجهیز منابع ارزی را برای شبکه بانکی (در قالب سپرده سرمایه‌گذاری ارزی اشخاص غیرمقیم) دشوار می‌سازد. در تحلیل نهائی، ورود پایدار منابع و سرمایه‌های خارجی به اقتصاد ایران مستلزم دسترسی یکسان و قانونمند به مجموعه بازارهای مالی پریسک (بازار سرمایه و بورس کالا) و کم ریسک (بازارهای پول و اوراق قرضه) در ادوار مختلف کسب و کار بوده تا

سرمایه‌گذار خارجی با توجه به وضعیت مولفه‌های اقتصادی-سیاسی داخلی و بین‌المللی ترکیب سبد سرمایه‌گذاری خود را مدیریت نماید.

ریسک نوسانات نرخ ارز:

تضعیف ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) برای سرمایه‌گذاران خارجی نوعی مالیات مستقیم تلقی شده که قدرت رقابت بین‌المللی کشور را در جذب منابع سرمایه‌ای خارجی (در قالب اوراق سرمایه‌گذاری) کاهش می‌دهد. اقتصاد ایران به‌علت روندهای نسبی تورمی بالای تاریخی و نیز شوک پذیری موازنه پرداختها از نوسانات درآمدهای نفتی همواره در معرض شوکهای افزایش نرخ اسمی ارز قرار دارد. مطابق نمودار ۱ متوسط قیمت هر بشکه صادراتی بخش نفت جهت برقراری موازنه مالی حساب جاری ترازپرداخت‌های کشور، از ۱۸ دلار در سال ۱۳۸۰ با ۳۹۷ درصد رشد به ۷۲ دلار در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته که از یکطرف دلالت بر رشد آسیب‌پذیری بخش خارجی نسبت به شوکهای برونزای بخش نفت بوده و از طرف دیگر شوک پذیری بازار ارز را از کانال موازنه پرداختها نسبت به نوسانات قیمت جهانی نفت وخیم تر ساخته است. در چنین شرایطی، پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز در قالب بیمه نامه‌ها و یا ابزارهای متعارف مشتق از اقدامات اساسی جهت تشویق سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد. البته تعیین میزان نوسانات قابل بیمه نرخ ارز، نرخ کارمزد بیمه نامه‌ها و نیز مدیریت شکاف نرخ‌های اسمی سود در بازارهای پول و ارز در تعامل با مقادیر پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز توسط سیاستگذار پولی می‌باید به نحوی انجام شده تا تفاضل نرخهای اسمی سود اسعار از هزینه‌های ریسکهای تجاری آنها، نسبت به سودهای متعارف بین‌المللی بازارهای پول بیشتر نگردد.



نمودار ۱- قیمت صادراتی بخش نفت موازنه کننده ترازپرداختها

ناکارآمدی اطلاعاتی و مدیریتی:

- ضعف مدیریت بخشی در شهرستانها و نواحی غیرمرکزی

ساختار نظام اداری کشور یکی از چالش‌های مهم سرمایه‌گذاران خارجی تلقی می‌شود. از یکطرف تمرکز مسئولیتها در واحدهای ستادی پایتخت سبب انتظار و صرف وقت فراوان توسط متقاضیان خارجی جهت اخذ مجوزهای مختلف شده و از طرف دیگر ضعف دانش و تخصص در حوزه مذاکرات بین‌المللی در ادارات استانی و شهرستانها سبب تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاران بین‌المللی در فعالیت‌هایی شده که امور اداری و حقوقی آن به شهرستانها تفویض شده است. به‌منظور خروج از دور باطل مذکور نیاز به استحاله تمرکز در نظام اداری و آموزش گسترده مدیران میانی در استانها و شهرستانها و تفویض تدریجی اختیارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارتخانه‌ها به مراکز استانی و شهرستانها همراه با نظارت دقیق بر عملکرد آنها از الزامات تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی احساس می‌شود.

- فقدان اطلاعات جامع و شفاف مبتنی بر آمایش سرزمین:

علیرغم احکام قانونی مندرج در مواد ۷۷ و ۱۸۲ قوانین برنامه پنجساله چهارم و پنجم مبنی بر تدوین و ارتقاء طرح آمایش سرزمین با هدف شناسایی مزیت‌های نسبی منطقه‌ای کشور و نیز

هدایت منابع سرمایه‌ای خارجی به بخش‌های با قدرت رقابت بین‌المللی بیشتر، عملاً چارچوب مدونی جهت هدایت سرمایه‌گذاران خارجی به نواحی مختلف کشور تهیه نشده است. تدوین مزیت‌های جغرافیائی و منطقه‌ای مبنای تهیه گزارشات توجیه مالی-اقتصادی بوده که در کنار توسعه زیرساخت‌های (راه، آب، برق، گاز، خدمات مخابراتی) عمرانی مکمل، شرایط حضور سرمایه‌گذاران خارجی را تسهیل و تسریع می‌نماید.

- آمار مخدوش سرمایه‌گذاری و استقراض خارجی:

بر اساس گزارش سالانه اقتصادی کشور و اطلاعات حساب سرمایه موازنه پرداخت‌های خارجی مبادلات مالی بین‌المللی کشور مشتمل بر سرمایه‌گذاری (کوتاه مدت و بلندمدت) و نیز تامین مالی خارجی (فاینانس، ری‌فاینانس، بیع متقابل، تسهیلات بانک جهانی-بانک توسعه اسلامی، اتحادیه پایاپای آسیائی، صور مختلف اعتبارات فروش و ...) است. در گزارشات عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اقلام تامین مالی مذکور که تماماً در دستورالعمل‌های پردازش وضعیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی و موازنه پرداختها ذیل دیون خارجی قرار داشته به اشتباه در کنار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار گرفته است. طی دوره ۹۱-۱۳۸۰ در حدود ۱۲۳ میلیارد دلار مبادلات مالی در موازنه پرداخت‌های کشور به ثبت رسیده که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها در حدود ۲,۵ میلیارد دلار بوده است^۱. به عبارت دیگر مبادلات مالی حساب سرمایه کشور به طور سنتی متکی به ابزارهای بدهی و استقراض بین‌المللی بوده و اقتصاد ایران به علت چالش‌ها و محدودیت‌های مذکور جذابیتی برای سرمایه‌گذاران خارجی نداشته است. در همین راستا، ضرورت تفکیک و انعکاس صحیح مبادلات مالی به اجزای استقراض خارجی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی اجتناب ناپذیر می‌نماید.

^۱ - گزارشات اقتصادی کشور، موازنه پرداخت‌های ارزی، بانک مرکزی. جمهوری اسلامی ایران.

فقدان مکانیزم بازخورد در شناسائی چالش های سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاران خارجی پس از اخذ موافقت‌نامه اصولی از کمیته جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی که نمایندگان دستگاه‌های مختلف اقتصادی و حاکمیتی در آن عضو بوده عملاً فاقد پشتوانه نهادی و مقرراتی در تبیین چالش‌های فرآروی فعالیت‌های خود بوده و کمتر دستگاهی متولی پاسخگوئی و پیگیری مشکلات مقطعی آنهاست. در چنین شرایطی بسیاری از موافقت‌نامه‌های صادره در مرحله اجرا با موانع اداری-مالی و نیز مدیریتی مواجه شده و غالب آنها متوقف مانده است.

محدودیت‌های قانونی:

نرخ غیررقابتی مالیات بر شرکتها:

فعالیت سرمایه‌گذاران بین‌المللی عموماً در قالب اشخاص حقوقی و بنگاه‌های اقتصادی بوده که به‌شدت به مقوله مالیات بر شرکتها حساسند. در همین راستا نرخ مالیات بر شرکتها در اقتصاد ایران در حدود ۲۵ درصد بوده که در مقایسه با نرخهای ۱۰، ۱۵ و ۲۰ درصدی کشورهای امارات، مالزی و ترکیه قابلیت رقابت کمتری دارد. همچنین مقوله مالیات علی‌الراس نیز چالش جدی شرکت‌های کوچک و متوسط خارجی با نظام مالیاتی ایران بوده که غالباً در اقتصاد کشور به‌صورت نمایندگی فعالیت دارند.

محدودیت‌های قانون کار

قانون کار در اقتصاد ایران نوعی ضدانگیزش برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تلقی می‌گردد. عدم تمایز تعهدات مالی کارفرمایان نسبت به شاغلین در قراردادهای کوتاه مدت و بلند مدت، سهم بالای تعهدات مالی کارفرما برای قراردادهای بیمه درمانی و بازنشستگی کارکنان، محدودیت‌های ساختاری تعدیل گروهی نیروی کار و تعطیلی بنگاه، عدم تفکیک مقررات ناظر بر تعهدات کارفرمایان در مقابل نیروی کار متخصص و غیرمتخصص و نیز محدودیت‌های بومی و منطقه‌ای (خصوصاً شهرهای کوچک) حتی در اعمال قانون کاری جاری کشور عملاً انگیزه‌های سرمایه‌گذاران خارجی را برای ورود به محیط کسب و کار ایران بطور عام و صنایع کاربر بطور خاص محدود ساخته است.

طی سالهای ۲۰۱۰-۲۰۰۶ رتبه رقابتی اشتغال در اقتصاد ایران بین ۱۳۶ و ۱۴۷ بوده است. در همین راستا، تعطیلات فراوان در فضای کسب و کار کشور یکی دیگر از موانع جدی جذب سرمایه خارجی بوده است، بطوریکه طی ده سال گذشته متوسط زمان فعالیت بازار سرمایه بعنوان یکی از شاخص های کلیدی مدت زمان انجام فعالیتهای اقتصادی در یک دوره مالی حدود ۲۴۰ روز بوده که در کشورهای صنعتی و اقتصادهای نوظهور بین ۲۱ تا ۵۱ روز (بدون احتساب مکانیزم خارج از پیشخوان فرابورس) بیشتر می باشد. البته معاملات برخط بازار دارائیهای مالی و غیرمالی عملا خارج از ساعات رسمی کاری همواره در اقتصادهای صنعتی و نوظهور ادامه دارد. در خصوص متوسط فعالیت روزانه صنایع طی یک دوره یکساله نیز شاخص مذکور بسیار غیررقابتی تر می باشد.

ساختار اقتصادی و فرهنگی:

فضای اجتماعی-فرهنگی و قضائی:

در شرایطی که کسب ثروت، انباشت سرمایه و سرمایه گذاری در فعالیتهای اقتصادی بزرگ توسط بخش خصوصی (اعم از حقیقی و حقوقی) به لحاظ فرهنگی و اجتماعی ضد ارزش تلقی شده و نیز فضائی امنیتی بر رفتار صاحبان سرمایه و مدیران بنگاههای بزرگ حاکم بوده عملا سرمایه گذار خارجی با ریسک مضاعف محیطی مواجه خواهد شد. همچنین برخورد کیفری و قضائی با تجار و صاحبان سرمایه ای که به دلیل ریسکهای تجاری و نیز نوسانات ادوار اقتصادی از ایفای تعهدات مالی و حقوقی خود عاجز بوده عملا نوعی فضای ضدانگیزی برای تجار و سرمایه گذاران داخلی و بین المللی ایجاد نموده است. پدیدههایی همچون ورشکستگی، نکول، اعصار و چک برگشتی که متاثر از ریسکهای تجاری و رفتار غیرعمدی عاملین اقتصادی بوده می باید در یک چارچوب تخصصی و حرفه ای و بدور از فرآیندهای جاری امنیتی و کیفری مورد ارزیابی قرار گرفته و حتی توسط حاکمیت مورد مساعدت قرار گیرند.

ساختار انحصاری تولید و ورود نهادهای امنیتی و حاکمیتی در فعالیتهای

اقتصادی

ساختار تولیدی بخشهای مختلف اقتصاد ایران به صورت انحصارات طبیعی (مخابرات، نفت، آب و فاضلاب، حمل و نقل ریلی، ارتباطات و...) و یا انحصارات چندجانبه (پتروشیمی، فولاد، دخانیات، خودروسازی، حمل و نقل هوایی و...) مدیریت شده که در کنار حضور گسترده نهادهای حاکمیتی (عمومی-نظامی) عملاً از یکطرف فعالیت آزادانه عاملین اقتصادی داخلی را بر اساس مولفه‌های بازار (اصول رقابت و سودآوری) محدود ساخته و از طرف دیگر سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت نابرابر رقابتی و اطلاعاتی قرار داده است. بسیاری از نهادهای عمومی به علت بهره‌گیری از رانتهای حاکمیتی و علیرغم محدودیتهای مقرراتی و نیز عدم اخذ مجوزهای متعارف (در بخش‌های مختلف مخابرات، تجارت، عملیات پیمانکاری، بازارهای متشکل و غیرمتشکل پول و سرمایه) مشغول فعالیت بوده و حتی عرصه فعالیت رقابتی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی محدود می‌سازند. همچنین نهادهای مذکور به علت دسترسی نابرابر به خدمات اجتماعی، اداری و حقوقی عملاً ریسکهای بالقوه غیرتجاری را برای عاملین اقتصادی رقیب داخلی و خارجی فراهم ساخته است.

۴. راهکارهای بهبود فضای کسب و کار جهت تسهیل مبادلات مالی بین‌المللی

مولفه‌های موثر بر فضای کسب و کار متأثر از سیاستها و عملکرد سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه بوده که می‌باید در قالب یک کارگروه مشترک مورد هدفگذاری، اصلاح و پیگیری شوند. مولفه‌هایی همچون مدت زمان ثبت دارائی، اخذ مجوزهای آغاز یک فعالیت اقتصادی، عملیات عمرانی، تجاری، برق و اعتبار بانکی با اصلاح مقررات در کوتاه مدت قابل بهبود بوده در حالیکه اصلاح نرخ‌های مالیاتی، حمایت حقوقی از سرمایه‌گذار و فرآیند اعلام ورشکستگی نیازمند تغییرات قانونی در میان مدت می‌باشند.

به منظور آزدسازی تدریجی حساب سرمایه جهت بهبود فضای رقابتی در بازارهای مالی و دسترسی به منابع مالی گسترده و ارزان بین‌المللی (نرخ‌های بهره پائین) می‌باید مقررات تاسیس بانکهای خارجی در کشور در کنار تسهیل شرایط حضور اشخاص غیرمقیم جهت سرمایه‌گذاری در

بازارهای مسکن، سرمایه، بورس کالا و نیز شبکه بانکی تدوین شوند. شورای عالی بورس، شورای عالی مسکن و شورای پول و اعتبار جایگاه قانونی جهت تصویب مقررات مذکور را دارند. یکسان سازی نرخ ارز در کنار اجرای مقررات تشکیل بازار سلف ارز توسط مقامات پولی از یکطرف ریسک نوسانات آتی نرخ ارز و فعالیتهای سوداگرانه احتمالی را کاهش داده و از طرف دیگر زمینه فعالیتهای رانت جویانه جهت استفاده از مابه‌التفاوتهای ناشی از اعمال نرخهای چند گانه ارز را از میان می برد.

قوانین مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر تعدیل ارزش دارائی بنگاه‌های اقتصادی علاوه بر اهداف گسترش پایه‌های مالیاتی و رشد درآمدهای بخش عمومی عملاً می‌باید اهداف مکملی همچون کاهش مالیات بر شرکتهای، تشویق انباشت سرمایه و نیز بهبود شرایط رقابت بین‌المللی فضای اقتصاد کلان برای سرمایه گذاران خارجی را مورد توجه قرار دهند. تصویب و اجرای همزمان قوانین مذکور با کاهش مالیات بر شرکتهای توسط سازمان مالیاتی یک الزام سیاستی جهت تشویق سرمایه گذاری و بهبود رشد اقتصادی می باشد. البته در لایحه خروج از رکود مصوب مرداد ماه سال جاری اصلاحیه‌های مذکور در قالب اصلاح قانون مالیاتها پیش بینی شده است.

بانک مرکزی با هدف بهبود کارائی شبکه بانکی و تسهیل عملیات اعتباری برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی می‌باید بانکها را بر اساس مقررات نظارتی از سرمایه گذار مستقیم بالاتر از نسبتهای احتیاطی منع نماید. همچنین تامین مالی طرح‌های بزرگ اقتصادی می‌باید از طریق بازار سرمایه انجام شده و وظیفه بانکها تنها در حوزه تامین مالی سرمایه در گردش واحدهای مذکور خواهد بود. افزایش نسبت کفایت سرمایه بانکها تا سقف ۹ درصد (ضوابط بال سه) عملاً قدرت اعتباردهی شبکه بانکی را به بنگاههای کوچک و متوسط افزایش می دهد. همچنین تسهیل شرایط دسترسی به ابزارهای تامین مالی ارزی در کوتاه مدت و نیز رفع موانع حضور بانکها و نهادهای اعتباری بین‌المللی در داخل کشور (میان مدت) از راهبردهای انگیزشی تلقی می شود.

دستگاههای ستادی و سیاستی می‌باید در کنار مشارکت در تدوین طرح جامع و شفاف آمایش سرزمین نسبت به ارتقاء دانش فنی شاغلین ادارات و سازمانهای منطقه ای، متناسب با موقعیت اقلیمی و مزیت های منطقه ای اقدام نمایند. در همین راستا، تدوین ضوابط ارزیابی و ارتقاء مدیران

میانی و منطقه ای بر اساس ارزش و تعداد طرح‌های سرمایه ای جدید به‌عنوان یک راهکار انگیزشی قابل پیشنهاد است.

عملکرد مبادلات مالی بین‌المللی کشور می‌باید به تفکیک ابزارهای بدهی و سرمایه گذاری توسط بانک مرکزی و سازمان سرمایه گذاری خارجی انعکاس یابد. ضوابط ناظر بر دستورالعمل شماره شش پردازش موازنه پرداختهای خارجی به تفکیک ابزار (اوراق سرمایه گذاری مستقیم، سرمایه گذاری در سید سهام، سرمایه گذاری در اوراق قرضه و ذخایر بین‌المللی)، نهاد (دولت مرکزی، بانکها، شرکتها و اشخاص) و بازارها (بازارهای پول، سرمایه، ابزار مشتق) می‌باید مبنای اعلام گزارشات عملکرد سرمایه گذاری خارجی باشد.

قانون کار و تعهدات غیررقابتی کارفرمایان (به تفکیک قراردادهای کوتاه مدت و میان مدت) یکی از موانع اصلی بهبود فضای کسب و کار و ارتقاء مولفه های کارآفرینی در اقتصاد ایران می باشد. علیرغم آنکه دولتهای مختلف طی دو دهه گذشته با هدف بهبود فضای سرمایه گذاری، تصمیم به اصلاح و تعدیل موادی از قانون کار گرفتند، اما فشارهای سیاسی و اجتماعی مانع از تحقق هدف مذکور گردید. در همین راستا، هدفگذاری حداقلی در خصوص مستثنی سازی بنگاههای کوچک از شمول قانون کار و یا تفکیک تعهدات کارفرمایان (بازنشستگی و خدمات درمانی) در خصوص قراردادهای کوتاه مدت و بلند مدت از طریق سیاستگذاری مشترک در سطح سه قوه قابل توصیه می باشد.

سازمان سرمایه‌گذاری می‌باید از طریق طراحی یک سیستم برخط پایش، کلیه مراحل را که سرمایه‌گذاران خارجی از زمان ثبت درخواست تا آغاز فعالیت طی نموده را بصورت زمانبندی شده رصد کرده و کلیه چالش‌ها و موانع را در دستگاههای مختلف شناسایی، پیگیری و اعلام (کمیته سرمایه‌گذاری خارجی) نمایند. دستگاههای مختلف نیز می‌باید بصورت زمانبندی شده کلیه موانع و چالش‌ها را در تعامل متقابل با سرمایه‌گذاران خارجی و سازمان سرمایه‌گذاری مرتفع نمایند. بعلاوه جامعیت قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و تکرر نمایندگان دستگاههای مختلف عضو کمیته سرمایه‌گذاری خارجی عملاً امکان تعدیل مقررات و آئین نامه‌های اجرائی جامع‌تر جهت پاسخگویی دستگاههای مختلف به سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد.

سازمان سرمایه گذاری به کمک رسانه های عمومی می تواند در خصوص نهادینه سازی اهمیت، امنیت و منزلت انباشت سرمایه بطور عام و نقش سرمایه گذاری خارجی (با توجه به محدودیت مقیاس و اندازه کوچک منابع سرمایه ای داخلی) در ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و ارتقاء رفاه اجتماعی فرهنگ سازی نمایند. تبیین الگوهای مختلف بین المللی و تجربیات اقتصادهای نوظهور که همگی با اتکاء به منابع مالی و سرمایه ای خارجی امکان بهره برداری از مزیت‌های بالقوه اقتصادی خود را یافته، ضروری می باشد.

علیرغم آنکه اصلاحیه اصل ۴۴ قانون اساسی با هدف افزایش مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی تصویب شده اما عملکرد سازمان خصوصی سازی طی دهه گذشته زمینه افزایش اندازه بخش عمومی را فراهم ساخته است. در این راستا، ضرورت بازنگری آئین نامه های اجرائی اصلاحیه اصل ۴۴ و نیز بازنگری در راهبردهای خصوصی سازی دولت اجتناب ناپذیر می باشد. همچنین در خصوص جرم انگاری اقداماتی که فعالیتهای مجاز بخش خصوصی را در یک فضای غیررقابتی محدود ساخته می باید قوانین و مقررات مشخصی تدوین و تصویب شود. در همین راستا، نهادهای عمومی می باید در خصوص کاهش اندازه و واگذاری بخشی از فعالیتهای خود به بخش خصوصی ملزم شوند.

نتیجه گیری:

اقتصاد ایران طی چهارده سال گذشته با تضعیف رتبه بین المللی مربوط به شرایط محیط کسب و کار و فضای کارآفرینی مواجه شده که در کنار عدم تعادل های گسترده پولی، مالی و ارزی عملاً در جذب منابع سرمایه ای و اعتباری بین المللی دچار رکود شده است. پدیده مذکور در کنار بهبود مستمر مولفه های کسب و کار در اقتصادهای رقیب سبب تقویت نااطمینانی سرمایه گذاران خارجی در انتقال منابع سرمایه ای به اقتصاد ایران شده است. در این راستا، دورنمای تشدید ریسکهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در عرصه بین المللی در کنار بحران های مستمر مالی و نیز نظام بوروکراتیک ناکارآمد سبب خروج سرمایه و کاهش مضاعف سهم ایران از مبادلات مالی بین المللی شده است. بر طرف سازی و تعدیل موانع برشمرده شده، نیازمند جدیت و هماهنگی قوای سه

گانه در همه سطوح برای ایجاد تغییرات نهادی و تصویب و تنقیه قوانین است. علاوه بر آن همیاری سازمان‌های فرهنگی و مردم نهاد را در ایجاد فرهنگ پذیرش کارآفرینان بین‌المللی مطالبه می‌نماید. سرمایه‌گذاری خارجی در قالب مکانیزم تامین مالی و با انتقالات سرمایه ای بین‌المللی از یکطرف ظرفیت‌های تامین مالی اقتصاد را افزایش داده و از طرف دیگر بعنوان یک متغیر عملکردی اقتصاد کلان، ارزیابی و اعتماد سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به صحت جهت‌گیری و دورنمای نتایج سیاستگذاری یک اقتصاد تبیین می‌نماید. جذب منابع پس‌انداز خارجی در قالب ابزارهای بدهی و یا سرمایه‌گذاری از طریق مبادلات مالی-تجاری بین‌المللی انجام شده که بشدت متأثر از بهبود محیط کسب و کار، ارتقاء فضای کارآفرینی، ثبات اجتماعی-سیاسی و نیز مزیت‌های پایدار اقتصادی یک کشور می‌باشد.

در شرایطی که اقتصاد ایران بشدت نیازمند منابع مالی و سرمایه‌گذاری پایدار جهت تحقق اهداف کلان رشد پایدار غیرتورمی و ثبات مالی بوده عملاً اعمال اصلاحات سیاستی، نهادی، ابزاری و مقرراتی در حوزه اقتصاد کلان ضرور بنظر می‌رسد، که در کنار بکارگیری یک سیستم هوشمند پایش سرمایه‌گذاران خارجی زمینه کاهش چالش‌های احتمالی را فراهم ساخته، که در این تحقیق مراحل و مصادیق آن به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

منابع:

- بانک اطلاعات سری های زمانی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۸۳) عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در ایران، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره دوم، ص ۱۰۹
- داودی، پرویز و اکبر شاهمرادی (۱۳۸۳)، بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۲۰، ص ۱۱۴.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۶) تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ایران، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع ایران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- سعیدی، علی و زهرا میعاد (۱۳۹۰)، بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از دیدگاه سرمایه‌گذاران خارجی، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۲ (پیاپی ۴۱)، صفحه ۱۸۱ - ۲۰۰.
- شاه آبادی، ابوالفضل و عبدالله محمودی (۱۳۸۵)، تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، جستارهای اقتصادی دوره ۳، شماره ۵، صفحه ۸۹-۱۲۶.
- طاهری ابوالقاسم (۱۳۸۴)، موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، دوفصلنامه حقوق و سیاست: بهار و تابستان ۱۳۸۴، دوره ۷، شماره ۱۴؛ از صفحه ۲۱ تا صفحه ۵۴.
- قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی.
- گزارشات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی (۱۳۸۶)، سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی.

- مظاهری، طهماسب و مجید دهبیدی پور(۱۳۸۳)، جذب سرمایه گذاری در ایران: محدودیت ها، مشوق ها و راه کارها، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- Abdel-Rahman, A-M. M(2002), The Determinants of FDI in the Kingdom of Saudi Arabia, Department of Economics, King Saudi University.
- Banga, R. (2003). Impact of government policies and investment agreements on FDI inflows. Indian council for research on international economic relations, 1-43.
- Borensztein, E., De Gregorio, J., & Lee, J. W. (1998). How does foreign direct investment affect economic growth?. Journal of international Economics, 45(1), 115-135.
- Chunlai,C,(1997), “The location Determinants of FDI in Developing Countries”, CIES Discussion Paper Series, PP: 97-112.
- Doing Business, World Bank, 2006-2014.
- Global Entrepreneurship Monitor, 2010-14.
- International financial statistics, IMF, 2013.
- Moosa, I. A., & Cardak, B. A. (2006). The determinants of foreign direct investment: An extreme bounds analysis. Journal of Multinational Financial Management, 16(2), 199-211.
- World Economic Outlook, IMF, 2013.

